

نشریه داخلی مرکز ملی
گفتگو، مناظره و آزاداندیشی

گفتگو

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹



مرکز ملی گفتگو و مناظره
مرکز ملی گفتگو و مناظره

● اصول اخلاقی مناظره

● «گفتگو» را در جهان پسا کرونا «وایرال» کنیم

● در قرنطینه کتاب بخوانیم

● مناظره های مشهور تاریخ (قسمت اول)

● مغالطه ی پهلوان پنبه

● بازخوانی یک مناظره دانشجویی (شماره ۱)



در باب اخلاق مناظره، قدم اول انگیزه انجام آن مناظره است، انگیزه ها می توانند مثبت یا منفی باشند، انگیزه های مثبت مانند کشف حق و حقیقت و روشنگری و... هستند. طرفین مناظره واقعاً باید در پی یافتن حقیقت باشند این حقیقت جویی خود مانع بسیاری از آفات اخلاقی ای که ممکن است گریبانگیر طرفین مناظره شود. یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفتی، مناظره با کسانی است که نادانسته و ناآگاهانه در عرصه اندیشه به انحراف کشیده شده اند و یا حقیقت برای آنان مشتبّه شده است. این نوع مناظرات با هدف روشنگری و هدایت افراد انجام می شود. انگیزه های منفی مانند شهرت طلبی، مباحات، فضل فروشی و امثال آن نیز وجود دارند. مناظره با چنین انگیزه هایی سبب اتلاف وقت، سبب تقویت خوی تعصب، خودخواهی و خودمحوری و خودنمایی مناظره کننده و سبب گمراه شدن شنوندگان می شوند. اخلاق مناظره، قواعدی نیست که از بیرون بر آن تحمیل

شود، بلکه از درون خود این مفهوم زاده می شود. مناظره کوششی است معطوف به کشف و اعلان حق، از این رو همواره حق باید مدنظر باشد. با توجه به تجربیات غزالی و تایید بزرگانی چون شهید ثانی، فیض کاشانی و ملامهدی نراقی می توان اصول دهگانه زیر را از اساسی ترین اصول اخلاق مناظره به شمار آورد و کسی که این اصول را رعایت کند می تواند امیدوار باشد که از خطاهای اخلاقی ناشی از مناظره پرهیز کرده است.

۱. هدف از مناظره را حق جویی بدانیم.

آن چه مناظره را از دیگر شیوه های بحث و گفتگو جدا می سازد، مسئله حق جویی در آن است. در مناظره، همه تلاش باید بر این مطلب متمرکز شود که حقیقت از طریق بحث و نظر بیان و آشکار شود. مناظره غالب و مغلوب ندارد بلکه دو طرف مناظره باید در پی حق باشند و حق آنان را به هر سمت هدایت نمود از آن تبعیت کنند. مناظره تنها یکی از راه های رسیدن به حقیقت است. پس اگر مناظره ذاتاً خود مقصود نباشد و هدف از آن

رسیدن به حقیقت باشد، در این صورت شخص مناظره گر باید به گفته غزالی: «در طلب حق چون جوینده گمشده ای باشد.» که برایش مهم نیست که این گمشده به دست خود او پیدا شود یا به دست دیگری.

۲. به رقیب آزادی تغییر موضع دهیم.

از آن جا که هدف از مناظره کشف حقیقت است، باید به رقیب اجازه داد تا دلایل خود را آن گونه که می خواهد بیان کند و مقدمات استدلال خود را به هر شکل که پسندید بچیند. در این روند گاه رقیب ممکن است احساس کند که دلیل پیشین خودش نادرست است و در نتیجه آن را با دلیل دیگری جایگزین کند. در این حال نباید مانع وی شد و او را به حفظ مواضع و دلایل پیشین ملزم داشت. مروت اقتضا می کند که در این حالت به حریف این امکان داده شود تا موضع استوارتری اتخاذ کند.

۳. از اهانت به حریف پرهیزیم.

هرچند مناظره مستلزم مواجهه و نقد است و این کار به انکار حریف می انجامد، اما معنای این سخن آن نیست که مجاز

به اهانت به حریف باشیم. هرگاه ما در هنگام مناظره از تعبیر تند و اهانت بار سود جستیم، معنای ضمنی آن این است که از قوت برهان ما کاسته شده است و دیگر یارای سود جستن از عقل و خرد ارتباطی خود را از دست داده ایم. هتاک و دشنام و ناسزا در همه جا نارواست و در مناظره که هدف دستیابی به حقیقت است، نارواتر.

۴. اهانت به حریف را تحمل کنیم.

نه تنها پیش دستی در اهانت، در این میان مقابله به مثل نیز غیر اخلاقی است. در این جا نباید زشتی را با زشتی و باطل را با باطلی از همان جنس پاسخ داد. سقراط که فن مناظره را شریف ترین فن می دانست و بر این باور بود که: «نفس انسانی تنها به وسیله فن مناظره می تواند به مشاهده خیر مطلق راه یابد»، سخت به این اصل مقید بود و همواره می کوشید تا در برابر اهانت ها و تحقیرهای مختلف صبور و پیشه کند و در دام حریف نیفتد و در نتیجه از بحث دور نگردد.

۵. در پی زمینه مشترکی باشیم.

هنگامی گفتگو و مناظره ممکن می شود که پیشاپیش

فصل مشترکی در نظر گرفته و مورد قبول طرفین واقع شود. همان طور که گفتگوی معمولی نیازمند مرجع و زمینه مشترکی است مناظره نیز بی چنین بستر مشترکی امکان تحقق ندارد. وظیفه اخلاقی مناظره کنندگان آن است که بکوشند بستر مشترکی برای گفتگوی خود فراهم سازند و بر یک زمین قرار گیرند. بی توجهی به این مسئله موجب کج فهمی های بسیار می گردد. زیرا چه بسا یک واژه برای دو طرف مناظره دو معنای متفاوتی داشته باشد؛

۶. عقاید خود را تعلیق کنیم.

وظیفه اخلاقی ماست که تا دلیلی بر نادرستی عقیده مان ارائه نشده است، آن را حفظ کنیم و از آن دفاع نماییم. به هنگام مناظره نیز همین تکلیف وجود دارد و چنین نیست که ما مجاز باشیم، از عقیده خود دست بکشیم. لیکن برای این که روند مناظره به نتیجه مطلوب بینجامد، لازم است که به گونه ای فرضی و به طور موقت معتقدات خود را معلق سازیم. مقصود از تعلیق عقیده به هیچ روی کنار نهادن مطلق آن ها و قبول دیدگاه حریف نیست.

۷. عقاید حریف را مسخ نکنیم.

در مناظره خواه ناخواه، عقاید طرفین مناظره نقل و بررسی می شود. این طبیعی است و قرار نیست که در مناظرات، لزوماً از عقیده حریف تعریف و تمجید و یا احیاناً دفاع شود. هر کسی حق دارد از عقیده خود دفاع و عقیده مخالف خود را نقد و رد کند اما آن چه در مناظرات گاه رخ می دهد که سخت غیر اخلاقی است، آن است که هنگام

نقد نظریات حریف آن را به نادرستی و به خطا نقل کند و سپس آن را مورد حمله قرار دهد.

۸. در دام مجادله نیفتیم.

همواره باید به هوش بود که هدف اصلی از مناظره از خاطر نرود. وسوسه غلبه بر حریف چنان نیرومند است، که انسان غالباً نمی تواند از آن بگریزد، در چنین حالتی است که مناظره به دامی برای تباهی اخلاقی انسان بدل می شود. گاه ورود به

عرصه مجادله چنین ظریف و ناخواسته است که خود فرد نیز آن را حس نمی کند و تنها در میانه معرکه است که ناگاه در می یابد وارد بازی ناخواسته ای شده است که دیگر راه بازگشتی ندارد.

۹. از معیارهای یگانه استفاده کنیم.

یکی از روش های رایج و غیر اخلاقی در مناظره، دوگانگی در استفاده از معیارها و روش تحلیل است. به این صورت که در مقام مناظره گر برای اثبات نظرات خودم از معیارهای خاصی استفاده می کنم، اما معیارهای دیگری را برای نقد دیدگاه حریف خود به کار می گیرم. هنگامی که ما این اصل را فراموش می کنیم دچار این مغالطه می شویم که کاستی های اندیشه حریف را با نقاط قوت خود می سنجیم و از نتیجه مناظره نیز خشنود می شویم.

۱۰. برای حریف آن بخواهیم که برای خود می خواهیم.

ما دوست نداریم که هنگام مناظره به ما اهانت شود، تحقیر شویم، سخنان ما قطع گردد و بدتر از آن مسخ شود و تصویر زشتی از آن ارائه گردد. دوست نداریم که حریف ما از معیارهای دوگانه ای استفاده کند و از روش متفاوتی در

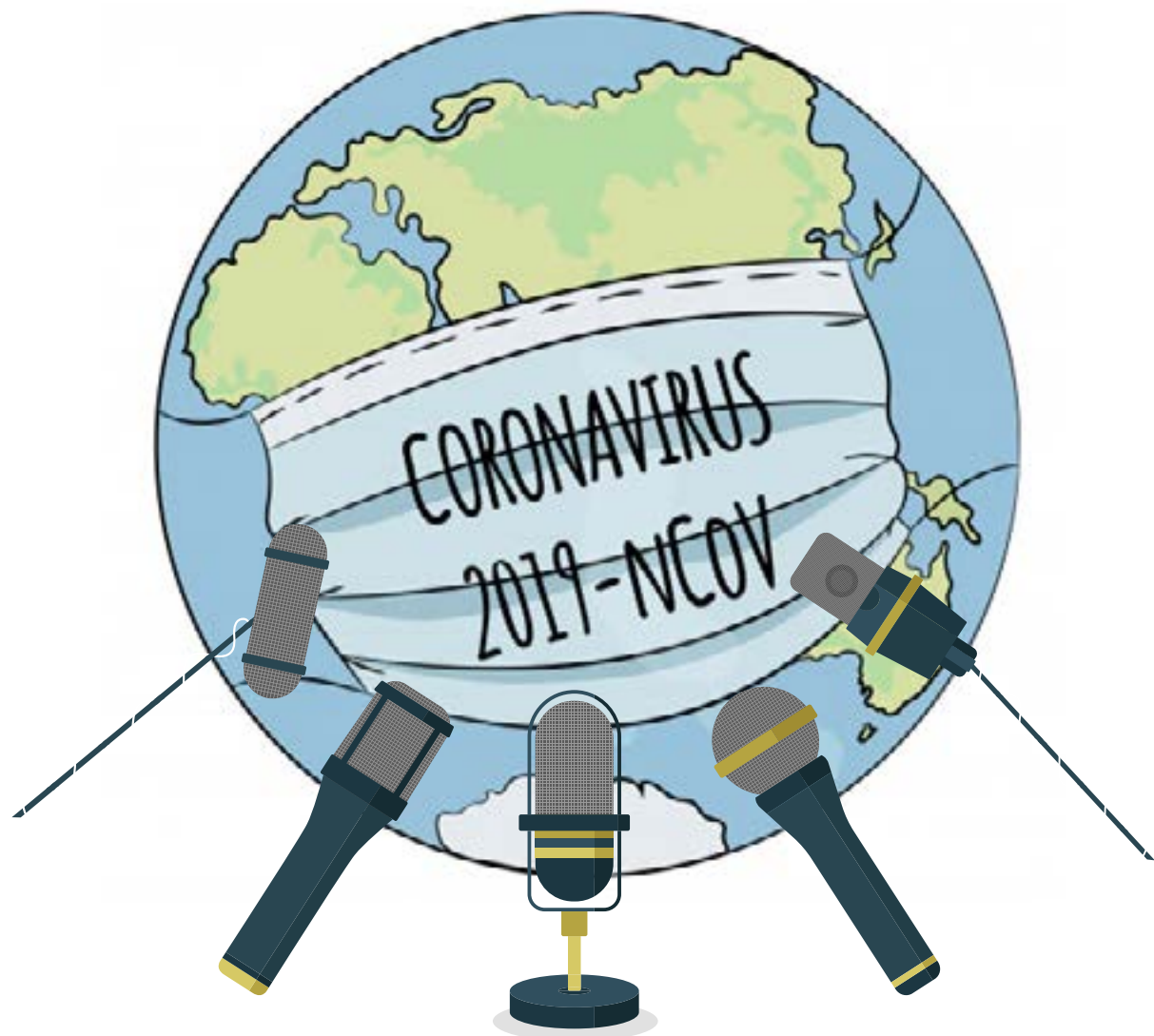
مناظره استفاده کند این ها را حق خود می دانیم. خوب چرا همین نکات را برای حریف خود نمی خواهیم؟ مهمترین قاعده رفتاری و اخلاقی در نظام های اخلاقی بزرگ و ادیان جهانی تاکید بر همین اصل روشن و معیار ساده است، یعنی آن که خود را میزان رفتار با دیگران قرار دهیم. این قاعده که عام ترین قاعده اخلاقی جهان است، در متون بسیار کهن به آن اشاره شده و به عنوان سنگ پایه اخلاق معرفی شده است.

منابع:

درآمدی بر اخلاق مناظره از دیدگاه اسلامی / در سنت گفتگو و مناظره با ادیان و مذاهب، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم / ۱۳۸۴ / تالیف اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، به اهتمام احد فرامرز قراملکی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۹ فرار از مدرسه: در باره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳

"گفتگو" را در جهان پسا کرونا "وایرال" کنیم!

پروین داعی پور، عضو هیات مدیره کانون
گفتوگوی مؤسسه امام موسی صدر



حتماً شما هم کلمه «وایرال» (Viral) را شنیده‌اید. اصطلاحی که این روزها در فضای مجازی بسیار به کار برده می‌شود. وایرال در لغت به معنای «ویروسی» است. نحوه انتشار ویروس این گونه است که ویروس‌ها وارد بدن می‌شوند، سلول را آلوده می‌کنند، سلول آلوده شده به تکثیر ویروس کمک می‌کند و از همین طریق، پشت سر هم و به سرعت تکثیر می‌شوند. پدیده وایرال از همین معنا مشتق شده است. یعنی وقتی مطلبی وارد

جهان اینترنت می‌شود، می‌تواند سایت‌ها و کاربران آن را، که در حکم سلول‌اند، در بر بگیرند و به علت استقبال کاربران، به سرعت منتشر شود؛ یعنی آن مطلب یا عکس یا ویدئو وایرال می‌شود. این روزها کلمه «وایرال» در جای درست خود به کار می‌رود؛ برای ویروس کرونا. کرونا جهان را وایرال کرده است و جهان را در ناباوری به قرنطینه‌ای بزرگ با پیام بیماری و توصیه به دوری

انسان‌ها از هم تبدیل کرده است. در نگاه کرونا همه انسان‌ها با هم برابرند و هیچ امتیاز و تفاوتی مانع از سرایت آن نمی‌شود. اپیدمی و پاندومی سریع کرونا یادآور این واقعیت بزرگ است که دهکده جهانی انکارناشدنی است. وجود خطوط فرضی بر روی نقشه کشورها و تشویق به ملی‌گرایی، قومیت‌گرایی و دهها برتری‌طلبی دیگر نمی‌تواند مانع از سرایت کرونا و هر اتفاقی

خواهد شد و بایستی منتظر تحولات جدی در تغییر رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آینده بود. به زودی به همت فداکاران عرصه بهداشت و سلامت و تغییرات اقلیمی، کرونا علی‌رغم خسارت‌های بی‌شمارش متوقف خواهد شد. اما صبح روز رهایی از این بلا در انتظار چه باید باشیم؟ شاید عده بی‌شماری به دنبال مقصر باشند و بخواهند به این موضوع بپردازند که مسبب این خسارات‌ها چه کسانی بوده‌اند؟ عده‌ای به دنبال یافته‌های علمی بیشتر برای جلوگیری از بروز مجدد آن و موارد مشابه باشند؛ عده‌ای به عزا؛ عده‌ای به شکر؛ عده‌ای به زندگی روزمره و غیر این‌ها سرگرم خواهند شد. مصلحان جهان به چه موضوعی در جهان پسا کرونا باید بپردازند؟ چگونه از این تجربه دردناک نتایج حیات‌بخش برای انسان به وجود آورند؟

چگونه روحیه همیاری و همکای به وجود آمده را به مسائل دیگر انتقال دهند؟ این سؤالات و صدها پرسش دیگر، چالش‌های متفکران در جهان پسا کرونا خواهد بود. برای پاسخ به این سؤالات و حل مشکلات مشترکمان، بایستی با همدلی به هم گوش دهیم، به طبیعت و حیات وحش و همدیگر احترام بگذاریم، راه‌های زندگی مسالمت‌آمیز در کنار حفظ استقلال و یکپارچگی خود را یاد بگیریم، به جای نفی همدیگر و اقدام بر اساس قضاوت‌های سطحی و نسنجیده، سعی کنیم همدیگر را بفهمیم، در جهت اعتلا و ارتقای هم بکوشیم، به جای اصرار بر رفع تفاوت‌ها بر اشتراکات تأکید کنیم، دست‌های یکدیگر را به نشانه صلح و دوستی بفشاریم. از این روست که گفته می‌شود راهی جز «گفت‌وگو» نداریم. پس بیایید در دوره پسا کرونا، «گفت‌وگو» را وایرال کنیم.



در قرنطینه کتاب بخوانیم

- هنر گپ و گفت: چگونه بتوانیم در هر موقعیتی سر صحبت را باز کنیم
- جادوی مهارت های کلامی در ارتباطات موثر
- قواعد مباحثه

معرفی کتاب هنر گپ و گفت: چگونه بتوانیم در هر موقعیتی سر صحبت را باز کنیم

نویسنده: دبرا فاین
مترجم: مهسا اعلا
نشر: معیار علم
نسخه دیجیتال این کتاب را می توانید به قیمت ۸۰۰۰ تومان از کتابراه بخرید.



ارتقاء دهید.

دبرا فاین (Debra Fine) به شما ثابت خواهد کرد که مهارت گفتگوی درست چه ابزار مهمی برای برقراری روابط دوستانه با مردم است. فاین قصد دارد تا با انتقال تجربه‌هایی شخصی خود به شما کمک کند تا از گنجینه‌ی مهارت‌های گفت‌وگو درست بهره‌مند شوید. راهکارها، رهنمودها و مهارت‌های این کتاب تنها مختص افراد اندیشمند و تحصیل کرده با ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی نیست بلکه همه‌ی افراد در هر سطحی می‌توانند از آن بهره ببرند.

بدون تردید افراد بسیاری هستند که با وجود مهارت‌ها و شایستگی‌های بسیار در حرفه و تخصص خود نیازمند پرورش مهارت‌های گفت‌وگو هستند. مانند بسیاری از فروشندگانی که در سخنرانی‌های رسمی بسیار

کتاب هنر گپ و گفت: چگونه بتوانیم در هر موقعیتی سر صحبت را باز کنیم نوشته‌ی دبرا فاین، به شما کمک خواهد کرد تا بدون اضطراب و ترس از دیگران از گفت و شنودهای خود راضی باشید و لذت بیشتری ببرید. آیا هنگام گفت و گو با یک غریبه تپش قلب می‌گیرید؟ آیا مصاحبه‌های استخدای خود را خراب می‌کنید؟ آیا در یک گردهمایی‌های مهم کاری زانوهایتان به لرزه افتاده و کف دستانتان عرق می‌کند؟ پس کتاب هنر گپ و گفت (The fine art of small talk) راهنمای خوبی‌ست برای بهبود رفتار شما و حفظ آرامشتان در هر شرایط اجتماعی تا بتوانید با اعتماد به نفس بیشتری عملکردهای اجتماعی‌تان را

عالی ظاهر می‌شوند اما به هنگام حضور در شبکه‌ی روابط اجتماعی و حرفه‌ای عرق سرد بر تنشان می‌نشیند. یا دبیرانی که به راحتی با همکاران و دانش‌آموزان خود گپ می‌زنند اما نمی‌دانند چگونه با خانواده‌های آن‌ها در گردهمایی‌های مدرسه گفت و گو کنند.

کتاب هنر گپ و گفت با در اختیار گذاشتن مهارت‌های لازم به شما کمک می‌کند تا با تقویت توانایی‌های خود کیفیت زندگی‌تان را بهبود ببخشید. شاید از قدرت فن گپ و گفت که مانند امواج حرکت و می‌دارد تعجب کنید. اما تردید نکنید که وقتی به شخصی خوش صحبت تبدیل شوید، افراد بیشتری خواهان ورود به شبکه‌ی ارتباطی شما با دوستان و همکارانتان خواهند بود. اینجاست که آن مناسبت‌های اجتماعی که زمانی شما را به وحشت می‌انداخت دیگر باعث لذت و شادی‌تان می‌شود و می‌توانید با حضور در آن‌ها برای خود راه‌ها و بسترهایی ایجاد کنید که فرصت‌های جدید به شما روی آورند.

اثر حاضر سرشار است از روش‌ها و نکته‌هایی که به کمک آن‌ها می‌توانید از ارتباط با دیگران لذت ببرید. یک گپ کوتاه مسئله‌ی بی‌ارزشی نیست. بلکه ریسمان با ارزشی است که زندگی شخصی و شغلی افراد را به هم پیوند می‌زند.



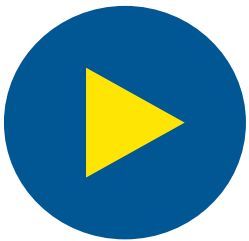
معرفی کتاب جادوی مهارت
های کلامی در ارتباطات موثر

نویسنده: علی اکبر حسن زاده
نشر: پلک
نسخه دیجیتال این کتاب
را می توانید به قیمت ۲۰۰۰
تومان از کتابراه بخرید.

در بخشی از کتاب جادوی مهارت های کلامی در ارتباطات موثر آمده است: بکارگیری مهارت‌های کلامی با آدمیان در مسیر زندگی، خوش خلقی می‌آفریند و ارتباطات انسانی را در جهت فرآیندهای مثبت آن افزایش داده و ما را به فهم وقایع پیرامونمان سوق می‌دهد و به درک واقعی در معنای زندگی می‌رساند. قوه‌ی ادراک در مهارت‌های کلامی، نتیجه‌ای از ذهن صلح‌آمیز ما است، تمام تعارضات ما در زندگی روزمره به خاطر عدم توانایی است که در تفهیم و تفاهم داریم، سوء تفاهمات در ارتباطات گفتاری، ارتباط بین ما و دیگران را به رکود می‌کشاند. احترام به ظرفیت‌های نهفته

اعتقادی در وجود دیگران، اصل ارتباطات کلامی در کانون زندگی ما است، آغاز یک پیام مؤثر در رفتارهای کلامی و غیرکلامی، می‌تواند بیانگر درک وسیع‌تری از با هم بودن و با یکدیگر هم کلام شدن را به ارمغان آورد. شخصیت ما همیشه در گرو ارتباطات کلامی و عصاره‌ای برگرفته از روح ماست که از منظر چشمان می‌درخشد و از طریق صدایمان پخش می‌شود و در سکوت و رفتارمان آشکار می‌گردد و آنگاه خود را به گوش شنوندگانمان می‌رساند و با روح آن‌ها هم پیمان می‌شود تا عشق به زندگی مشترک را مهیا سازد و از من، ماهای بسیار بزرگی سازد تا چرخه زندگی انسانی با قدرت‌تر به حرکت درآید.

فهرست برخی مطالب کتاب جادوی مهارت های کلامی در ارتباطات موثر عبارتند از: عدم درک کلام طرف مقابل- سخن‌سنجیده و نامناسب- مهارت‌های ارتباطات کلامی و غیرکلامی- ارتباطات کلامی و منطقی و مؤثر- شش اصل اساسی و مؤثر در مهارت‌های ارتباطات کلامی- خجالتی‌ها در ارتباطات اجتماعی- مهارت‌های گوش دادن به کلام دیگران- تأثیر کلمات احساسی در کنترل اضطرابات روحی و روانی.



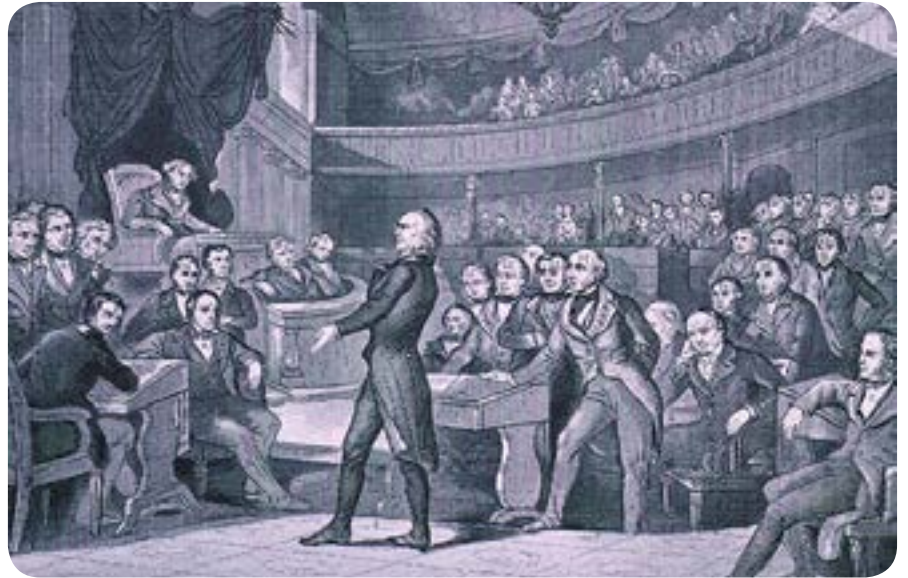
قواعد مباحثه

نویسنده: آنتونی
وستون
مترجم: نصرالله
مرادیانی
نشر: قطره
نسخه دیجیتال این
کتاب را می توانید
به قیمت ۱۰۰۰۰
تومان از فیدیبو
بخرید.

هرچه به انتهای کتاب نزدیک تر می‌شویم بحث‌های مهم تر و پیچیده‌تری مطرح می‌شود و نکاتی درباره‌ی به کار بردن صحیح آن توصیه می‌شود. در فصول ۷ تا ۹ به ما آموخته می‌شود چگونه از این بحث‌ها در نوشتن مقاله‌های مباحثه‌ای استفاده کنیم. در فصل آخر انواع مغالطه در بحث کردن بیان می‌شود تا بتوانیم یک بحث درست را از یک بحث نادرست، که اصولاً نمی‌توان به آن یک بحث گفت، بازشناسیم. این کتاب نه تنها در گفت وگوهای روزمره و کوتاه برای همه مفید خواهد بود، بلکه ممکن است در نوشتن مقالات و حتی پایان‌نامه‌های دانشگاهی در کشورمان نیز، هم برای دانشجویان و هم

کتاب حاضر نخستین کتاب به چاپ رسیده از آنتونی وستون است. او توانسته است در این کتاب کوچک، شیوه‌های مختلف استدلال را بدون نقص مطرح کند. این کتاب با طرح ابتدایی‌ترین مسائل درباره‌ی چگونه ترتیب دادن یک بحث کوتاه آغاز می‌شود و نکات لازم را برای شکل‌گیری و یا ارزیابی یک بحث گوشزد می‌کند. تمام فصول کتاب را قواعدی درباره‌ی بحث کردن مانند زنجیر به هم وصل می‌کند و بدین ترتیب خواندن کتاب آسان تر می‌شود. در فصول آغازین این کتاب با بیان قواعدی، نکاتی را درباره‌ی بحث کردن توضیح می‌دهد که با این که پدیده‌ی انگاشته می‌شوند، غالباً نادیده گرفته می‌شوند.

برای اساتید، راهگشا باشد. برای مثال، آن چه قاعده‌ی ۱۸ - (آیا بحث توضیح می‌دهد که چگونه علت موجب معلول می‌شود؟) - به آن اشاره می‌کند، نکته‌ای است که اصولاً بدون آن، یک بحث، دیگر یک بحث نیست؛ در حالی که اغلب پایان‌نامه‌های دانشگاهی در کشور ما دچار این مشکل‌اند: یعنی مقداری داده جمع‌آوری می‌شود و نتیجه‌ای از آن گرفته می‌شود، درحالی که بحثی مناسب و و کافی برای توضیح این که چگونه آن داده‌ها (یا فرض‌ها) موجب این نتیجه شده است، مطرح نمی‌شود. به همین دلیل، این کتاب می‌تواند در کشور ما در سطح دانشگاه نیز مورد استفاده قرار گیرد.



مناظره های مشهور

تاریخ (قسمت اول)

۱. بحث والادولید (۱۵۵۰-۱۵۵۰) بین سپلودا؛ فرهیخته دومینیکن و اسقف چیپاس بار تولومه د لاس کاساس اولین بحث اخلاقی در تاریخ اروپا بود که در مورد حقوق و برخورد با مردم بومی توسط فاتحان بحث و گفتگو کرد. این بحث یکی از اولین نمونه های مباحث اخلاقی در مورد استعمار، حقوق بشر اقوام و روابط بین الملل به حساب می آید. این بحث مشهور اسپانیایی اولین بار با جنگ های فتح

اسپانیا در جهان جدید اتفاق افتاد. این مسئله مربوط به یک مسئله مشهور سیاسی آن زمان بود: آیا مردمان بومی قاره آمریکا مستحق برخورد با مردان آزاد بودند؟ یا آیا آموزه های مسیحی و قانون طبیعی استعمار (و در نتیجه ظلم) را ضروری جلوه داده اند؟ نتیجه: در پایان، هر دو طرف اظهار داشتند که در این بحث پیروز شده اند، اما نتیجه مطلوب را نگرفته اند. لاس کاساس پایان جنگهای فتح اسپانیایی در دنیای جدید را

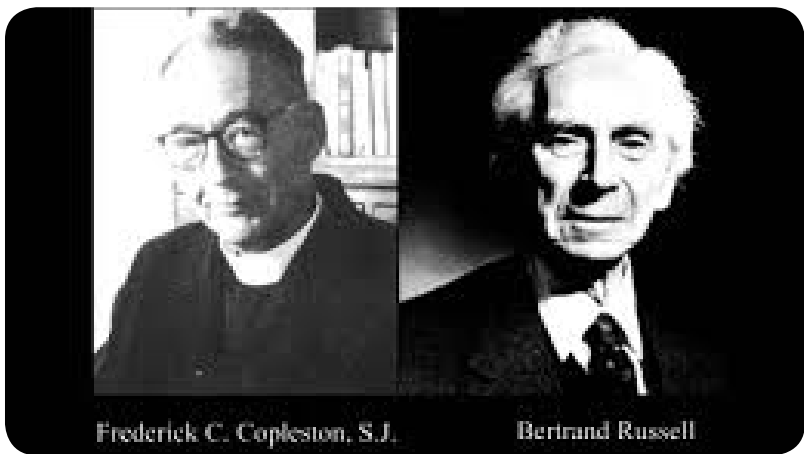
شاهد نبود و سپلوله نمی دید که قوانین جدید، محدودکننده قدرت سیستم نامگذاری شده و این بحث جایگاه لاس کاساس را به عنوان مدافع اصلی سرخپوستان در امپراتوری اسپانیا تثبیت کرد با این حال، اساساً رفتار اسپانیایی ها با سرخپوستان تغییر نکرد.

۲. مناظره وبستر-هاین در رابطه با فروش زمین و اتحاد جنوب و غرب آمریکا سال ۱۸۳۰ بحث وبستر - هاین یک

بحث مشهور در ایالات متحده بین سناتور دانیل وبستر از ماساچوست و سناتور رابرت ی. هین از کارولینای جنوبی بود که در تاریخ ۱۹ تا ۲۷ ژانویه سال ۱۸۳۰ با موضوع تعرفه های حمایت گرایانه برگزار شد. یکی از پربازدیدترین مسابقات تاریخ سنا، بحث وبستر-هاین در سال ۱۸۳۰ با گوشت گاو بین ایالت های شمال شرقی و کشورهای غربی در طی طرحی برای محدود

از ماساچوست با رد این ادعا، اظهار داشت که آمریکا فقط مجموعه ای از ایالت های مستقل نبود، بلکه یک «دولت مردمی بود که توسط مردم ایجاد شد. کسانی که مسئولیت آن را بر عهده مردم می گذارند. و خود قادر به اصلاح و اصلاح است، درست همانطور که مردم ممکن است آن را انتخاب کنند.» نتیجه: سناتور ماساچوست یک شبه تبدیل به یک شخصیت بزرگ ملی شد، که مورد

شد. در این مباحث، آبراهام لینکلن با استفان داگلاس در مورد برده داری بحث می کرد. بردگی بزرگترین مسئله سیاسی در آن زمان بود و لینکلن و داگلاس هر دو امیدوار بودند که بتوانند شنوندگان را به سمت خود ترغیب کنند. فضای سیاست ملی در آن زمان، به دلیل تفرقه ناپذیری مقطعی و مسئله برده داری ناپایدار بود. جمهوری خواه امیدوار لینکلن، تازه وارد



Frederick C. Copleston, S.J.

Bertrand Russell

کردن فروش زمین غربی آغاز شد. سناتور رابرت هاین از کارولینای جنوبی، در تلاش برای ایجاد اتحاد بین جنوب و غرب، به نمایندگی از حقوق ایالت ها استدلال کرد و اظهار داشت که ایالت ها و نه دولت فدرال باید مسئولیت معاملات زمین را بر عهده بگیرند. دانیل وبستر

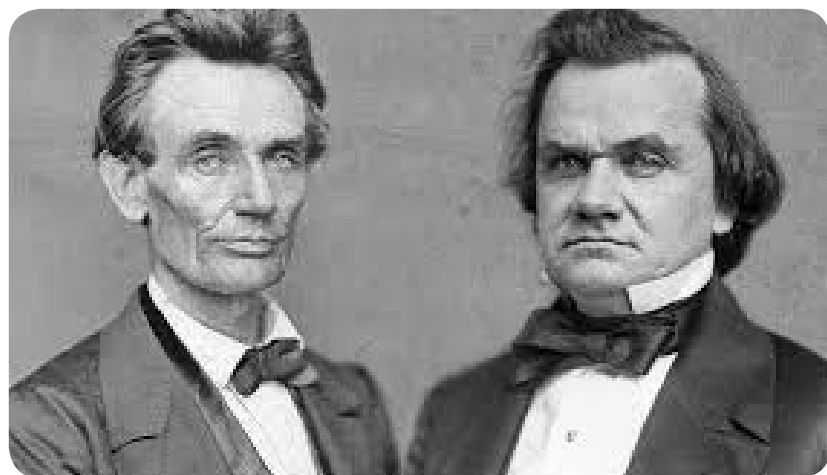
احترام بسیاری از دوستان و دشمنان وی قرار گرفت. سنا قطعنامه فروش زمین را مهار کرد و شانس اتحاد بین جنوب و غرب از بین رفت. ۳. بحث های لینکلن-داگلاس ۱۸۵۸ مباحثات لینکلن-داگلاس در سال ۱۸۵۸ در ایلینویز برگزار

جنبش ضد برده داری بود، اما او از مباحث به عنوان یک بستر برای استحکام موضع خود و برکناری رقیب استفاده کرد. نتیجه: گرچه لینکلن باخت، جمهوریخواهان بیشتر از دموکرات ها آرای مردم را به دست آوردند و نشان دهنده تغییر مهمی در شخصیت

سیاسی دولت بودند. علاوه بر این، لینکلن شهرت خود را در سراسر شمال به دست آورده بود. وی برای فعالیت در انتخابات نامزدهای جمهوری خواه در ایالت های دیگر دعوت شده بود و به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی شد. داگلاس با پیروزی بیشتر، دولت بوکان و جنوب را بیگانه کرد، و بعد از مدت

اخلاقی برای وجود خدا. بحث راسل - کپلستون اکنون به عنوان یکی از معروف ترین مکالمات کلامی شناخته شده است که تاکنون ثبت شده است. کپلستون، یک کشیش جسیوتی، به دلیل استدلال خود، به آکویناس و گوتفريد ویلهلم لایبنیتز بسیار متکی بود، در حالی که راسل آگونیستیک به دیوید هیوم

کپلستون مبنی بر اینکه چون همه چیز در جهان هست مشروط باشد، کلیات جهان نیز باید مشروط باشند. راسل می گوید: «می توانم سفسطه شما را به نظر بیاورم، هر مردی که وجود داشته باشد یک مادر دارد، و به نظر من استدلال شما این است که بنابراین نسل بشر باید یک مادر داشته



کوتاهی از قدرتش در مجلس سنا کاسته شد.

۴. بحث کپلستون - راسل تبادل نظر در مورد وجود خدا سال ۱۹۴۸

بحث بین فردریک کپلستون و برتراند راسل در یک پخش رادیویی بی بی سی در سال ۱۹۴۸ بر دو نکته متمرکز بود استدلال های متافیزیکی و

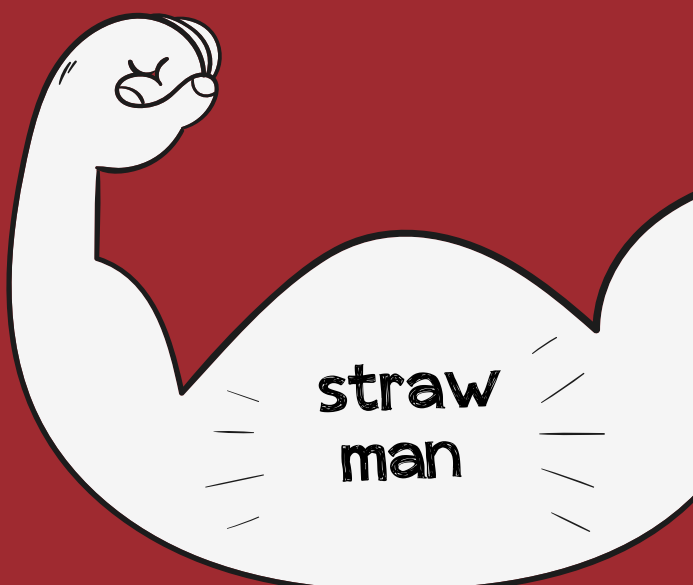
نگاه می کرد، که مشهور بود به اینکه معتقد است؛ در حدود درک بشر، هر مکالمه ای راجع به خدا ذاتاً بی معناست.

نتیجه: شاید به یادماندنی ترین لحظه بحث برهان کیهان شناسی (بحث راسل - کپلستون) این باشد؛ وقتی راسل با انتقاد از ادعای

باشد، اما بدیهی است که نسل بشر از یک مادر نیست - این یک حوزه منطقی متفاوت است.»

نتیجه: اینکه پیروز میدان این مناظره چه کسی بوده است به ایستادن گاهی بسته است که شما از آن به این گفت و گو می نگرید.

مغالطه‌ی پهلوان پنبه



۱. مغالطه‌ی مرد پوشالی (straw man) - نام دیگر:

مغالطه‌ی پهلوان پنبه

در این نوع مغالطه سخنی در مورد ادعای اصلی بیان نمی‌شود و چیزی که نقد یا رد می‌شود رابطه‌ای با مدعای اصلی ندارد و مدعای ضعیف آشکار می‌شود یا افراد ضعیفی که از آن مدعا دفاع کرده اند نقد می‌شوند. به عبارت دیگر مغالطه پهلوان پنبه ترفندی است که از این راه شخص می‌تواند میزان تأثیرگذاری و مقبولیت شخص مدعی را کاهش دهد؛ هرچند مدعای نخستین پاسخ داده نمی‌شود. به بیان دیگر این مغالطه ارائه یک تصویر ضعیف از یک مدعا و رد کردن آن است. امروزه در جامعه ما اکثر انتقادات به همین روال صورت می‌گیرد. منتقدین ما اندیشه های مخالف خود را کاملاً کاریکاتوری تعریف می‌کنند و سپس آن تقریر

نادرست از اندیشه مورد نظر را نقد می‌کنند. به بیان ساده‌تر مغالطه «پهلوان پنبه» یعنی وقتی کسی با یک مدعای قوی برخورد می‌کند و می‌بیند قدرت مقابله با آن را ندارد یک مدعای ضعیف و سست را به طرف مقابل نسبت می‌دهد. منظور از پهلوان پنبه همین مدعای ضعیف است یعنی به جای مبارزه با پهلوان اصلی و رد مدعای واقعی، پهلوانی از پنبه می‌سازد و به جنگ آن می‌برد تا راحت‌تر بتواند پیروز شود! به این مغالطه، «مغالطه مرد پوشالی» هم می‌گویند. مثال خندان در کتاب مغالطات به این شرح است: «مغلطه پهلوان پنبه در بسیاری موارد در مناظره‌های علنی بر سر مسائل جنجال‌برانگیز و احساسی مورد استفاده قرار می‌گیرد: شخص الف: مناسب است که قوانین مربوط به آب جو را

آسان‌تر کنیم. شخص ب: شما می‌گویید مواد مخدر را آزاد کنیم؟ مگر جوانان این مملکت صاحب ندارند؟ هر جامعه‌ای که دسترسی آزاد به مواد مخدر دارد محکوم به فساد است و ارزش‌های انسانی و اخلاقی در آن فرو می‌ریزد. پیشنهاد اولیه شخص الف این بود که قوانین مربوط به آب جو آسان‌تر شود، در حالی که شخص ب پیشنهاد او را به اشتباه ارائه کرده و وانمود می‌کند که او خواهان آزاد کردن مواد مخدر است و به همین هم پاسخ می‌دهد. این یک مغالطه منطقی است چرا که شخص الف هرگز پیشنهاد به آزاد کردن مواد مخدر نداده بود.»

سیدعلی اصغر خندان (۱۳۸۰)، مغالطات (ویراست سوم)، تهران: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص. ۱۶۳

بازخوانی یک مناظره دانشجویی

(شماره ۱)

گزاره: «حذف چهار صفر از پول ملی، سیاستی مناسب در زمینه اصلاحات پولی کشور است»



طرح مسئله تیم موافق (حسام امین محلات):

مفاهیمی که در این گزاره وجود دارد، واژه سیاست از policy ترجمه میشود که در کنار خود مفهوم، سیاستگذاری را ایجاد میکند. تاریخچه پیدایش صفر به هند برمیگردد که این مورد را برای عدم قطعیت پول به کار می بردند. اصلاحات از واژه رفرم مشتق شده که متناظر به پیشرفتهای پله‌ای تدریجی و ترقی خواهانه است. اصلاحات پولی در ساده‌ترین شکل به صورت حذف پول نمود پیدا می‌کند و ساده‌ترین نتیجه تسهیل روند مبادلات مالی است. حذف چهار صفر از پول ملی باعث کاهش انتظارات تورمی و در نتیجه تورم فعلی می‌شود. وقتی تورم بالا برود

وضعیت چهار دهک بالای جامعه بدتر می‌شود. موضوع دیگر بازار جهانی ارز است، تریدرها تا بخواهند اینهمه صفر وارد کنند آن فرصت تبادل را از دست داده‌اند.

طرح مسئله تیم مخالف

محمد معین جوادی: این گزاره کاملاً اقتصادی است، پول یک متغیر اقتصادی است. هرگونه تغییر و تحول در متغیرهای اقتصادی باید به صورت یک بسته جامع دیده شود. زیرا به تنهایی اقدام شایسته‌ای نیست و نمی‌تواند به عنوان یک سیاست تلقی شود و هر کشوری این سیاست را به تنهایی بدون توجه به ساختارهای مالی خود در پیش گرفته، شکست خورده است. بنا به

گفته همتی رئیس فعلی بانک مرکزی، این کار یک اقدام ظاهری و اسمی است و نه یک کار بنیادی و به تنهایی تأثیری روی تورم و وضع معیشتی مردم ندارد. همه کشورها در اجرای بار اول این سیاست شکست خوردند چون تنها به اثر حسابداری و مالی آن متمرکز شدند. دلیل شکست، این است که قیمت‌ها بصورت تقلبی و فیک کاهش نشان می‌دهد و از سوی دیگر تمایل به افزایش قیمت‌ها به وجود خواهد آمد که خود به تورم بیشتر دامن می‌زند. هزینه سنگین جایگزینی اسکناس‌های جدید، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و مسائل دیگر از جمله مشکل‌های این طرح است.

دفاع تیم موافق (سروش اکبری):

گزاره اصلاً قید زمان و مکان ندارد و تنها به عنوان یک قوه محرکه برای اصلاحات پولی مورد توجه قرار گرفته است. ما هم معتقدیم باید در کنار این موارد راهکارهای دیگر از جمله کنترل تورم

اجرا شود. تغییر واحد پول تبادل را تسریع و اعتماد عمومی به پول ملی را افزایش می‌دهد.

دفاع تیم مخالف (میلاد تهرانی):

(در رد استدلال‌های تیم گردون، گفت: در گزاره سیاست مناسب به معنای سیاستی است که کارکرد آن از هزینه‌اش بیشتر باشد. چنانچه در کشوری یک پدیده نتیجه مثبت داد دلیل نمیشود که در کشور دیگر هم همان نتیجه را بدهد. دو متغیر در اقتصاد داریم، اسمی و حقیقی. اگر تورم هم کاهش دهد روی متغیر اسمی است، نه متغیر حقیقی، از سوی دیگر بازار جهانی هم روی قدرت خرید است.

دفاع تیم موافق (امین محلاتی):

در تقویت استدلال‌های خود در دفاع از گزاره موجود، گفت: ما یک تفریق بین سیاست‌های مالی و پولی باید قائل شویم. سیاست‌های پولی متولی‌اش بانک مرکزی است، که در زمینه کنترل بازار باز، تغییر بهره بانکی

و نمونه دیگر حذف صفر اختیار دارد. مورد بعدی سیاست‌های مالی است که متولی آن دولت است. دولت معیشت، مالی، درآمدهای نفتی را تنظیم میکند. درست است که نگرانی‌ها وجود دارد، ولی این مربوط به سیاست‌های کلان اقتصادی است.

دفاع تیم مخالف

(محمد معین جوادی): در

جهت روشن کردن مواضع تیم خود گفت: ما هم خلاف این را نگفتیم که سیاست‌های مالی مساوی پولی است. ما می‌خواهیم بدانیم این سیاست درست است یا نیست؟ گروه مقابل درباره متغیر اسمی و حقیقی توضیح ندادند. بسیاری از کارشناسان معتقدند حذف صفر در متغیرهای حقیقی بی‌تأثیر است. ضمن اینکه دوستان نگفتند نظرشان راجع به حذف صفر در شرایط تورم بالا چیست؟ مساله دیگر، بعد روانی است که افراد مسن با آن مشکل دارند. دیگری کاهش درآمدهای نفتی است. اصلاح، به معنای بهتر

شدن و بهبود است نه اینکه با گزاره‌ای موافق باشیم که معتقد نیستیم وضع را بهتر کند.

جمع بندی تیم موافق(سروش اکبری): ۱۴۱ کشور در جهان ، این کار را انجام داده، ترکیه نمونه منفی بوده و رومانی هم در سال ۲۰۰۵ این کار را انجام داد و ۴ صفر را حذف کرد که در کنترل تورم بسیار موفق بود. اگر حجم پول را کاهش دهیم، تورم و نقدینگی را هم میتوان کنترل کرد. اگر تورم و مشکلاتی وجود دارد به بانک مرکزی ارتباط پیدا نمیکند بلکه بانک مرکزی باید بطور مستقل اصلاحات خود را انجام دهد.

جمع بندی تیم مخالف(میلاد تهرانی): ۱۰۰ در صد استدلال دوستان، نقلی است. استدلال عقلی نیاوردند، درباره حجم پول و سرعت پول، مکرراً گفتیم که حجم و سرعت اسمی را پایین می‌آورد. گزاره در مقام اول قطعاً ناظر به ایران است. موضوع دیگر هزینه‌های اجرای این طرح است. اتفاق مثبتی که به دنبال حذف چهار صفر می‌افتد چه اتفاقی است؟ کلیت بحث دوستان هم

اشکالاتی بود که به ساختار اقتصادی ما وارد کردند.

سوال علیرضا کاظمیان؛ محقق تیم گردون از تیم ثامن: در ژاپن که ابرتورم حاکم بود چطور تورم را کنترل کردند؟

پاسخ نیما حمیدی محقق تیم ثامن: اگر در ژاپن جواب داده دلیل نمی‌شود که در ایران یا هر کشوری دیگری جواب دهد چرا که بافت تاریخی، اجتماعی و دیگر شرایط این کشور با بقیه کشورها متفاوت است.

سوال سارا سپهبدی محقق تیم ثامن از گروه گردون: اگر حذف صفر از پول ملی سیاست خوبی است چرا در برزیل و و نزوئلا اثر منفی داشته است؟

پاسخ علیرضا کاظمیان محقق تیم گردون: برزیل بعد از ۱۸ سال وقتی پیش شرطها را انجام دادند و رعایت کردند، جواب داد و توانستند تورم را کنترل کنند.

نتیجه مناظره بر اساس رای هیات داوران داوران هیئت علمی: (حسام‌الدین علامه عضو

هیئت علمی جهاد دانشگاهی، حسین میرزایی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و خسرو قبادی عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی) داوران دانشجویی(عضو گروه های برتر دوره های پیشین



مسابقات): منصوره حجاری، نادر مستقیمی، حمید اسکندری

امتیاز تیم موافق: ۱۵۴،۵
امتیاز تیم مخالف: ۱۵۱

۰
۰
۰
۰

نشریه داخلی مرکز ملی گفتگو، مناظره و آزاد اندیشی

تحریریه: مهدی عباسی، مهدیه شاه نظری

زهرا السادات روح الامین

طراح و صفحه آراء: مریم ظریفیان یگانه

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان
شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۲، مرکز ملی گفتگو،
مناظره و آزاد اندیشی



www.isojd.ac.ir

www.isdc.ir



۰۲۱۶۶۹۷۸۰۰۰



@isojd